

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۹ فبروری ۲۰۱۹

هم خرما و هم ثواب

دوشنبه- ۲۹ دلو ۱۳۹۷ - کابل: یکی از بدبختی های روشنفکران که بهتر است نوشت، شبهه روشنفکران، در کشورهای چون افغانستان این است که آنها علی رغم فهم و برداشت نسبی از دیالکتیک، وقتی پای تطبیق آن در میان آید، ضعف و ناتوانی تاریخی شان گل کرده، خلاف گفتار در عمل اولین و اساسی ترین اصل دیالکتیک را که پیوند اشیا و پدیده ها باشد، نادیده گرفته همه چیز را مجزا از یک دیگر می بینند. اگر خواسته باشیم ادعایم را با مثالی واضح سازم که با شرایط کنونی و زمان حاضر مطابقت داشته باشد می تواند از حسن نظر جم غفیری از روشنفکران حین کاندیتوری "عمران خان" یاد نمود.

اگر به خاطر تان مانده باشد وقتی "عمران خان" با آن کش و فکش و رزمجویی ها علیه دو حزب مسلم لیک "نواز شریف" و حزب مردم خاندان "بوتهو" مبارزه اش را اعلام داشت و اسمش هم از صندوق های رأیگیری پیروز بیرون شد، در کل روشنفکران و قلم به دستان جامعه ما در زمینه نظرات آتی را ابراز می داشتند:

۱- شونویست های پشتون از پیروزی "عمران خان" چنان شاد و سرمت شده بودند توگویی به "کاسه سر دارا" شراب نوشیده و دیگر تمام منطقه را در تحت تصرف خود در آورده اند، حتا تعدادی از آنها چنان از پیروزی "عمران خان" به نسبت تباری خوشنود و سرفراز بودند که علنی می گفتند، اینک که "پشتونها" با بمب اتم مسلح شده اند در منطقه تمام اقوام و ملیتها می باید، اطاعت شان را رسماً از آنها اعلام بدارند

۲- عده دیگر در عوض آن که پیروزی "عمران خان" را بازی جدید "آی. اس. آی" بدانند، آن را محصول نفرت مردم پاکستان از احزاب سنتی پاکستان در رأس همه "مسلم لیک" و "حزب مردم" اعلام نموده، رخس خیالات آنها در همان دنیای خیال و توهم، با یک گام صد فرسنگ را طی نموده، حکم به نابودی احزاب مشابه در سطح منطقه نمودند.

این جوانان و روشنفکران آرزومند تغییر و تحول، در تحلیل نهائی آرزوهای شان را جای واقعیت ها گذاشته به تنها چیزی که اصلاً نپرداختند، ارتباط تمام تغییرات و تحولات و پیوند آنها با طبقه حاکمه پاکستان و نمایندگان مقتدر آنها در "آی. اس. آی" بود. اینها نمی خواستند بدانند که سر طناب در تمام سالهای موجودیت پاکستان در دستان توانمند "آی. اس. آی" بوده است و عندالضرورت آنها به نوبت گاهی از مسلم لیک آشکار گرفته است و زمانی هم از "حزب مردم".

۳- جریان یکی دو روز اخیر و روند حرکت قضایا امیدوارم هر دو طیف را از آسمان تخیلات شان پائین آورده آنها را با سر زمین واقعیت ها آشنا ساخته باشد، واقعیت های:

الف- پشتون های پاکستان که شوونیست ها اینهمه برای شان گریبان پاره می کردند تا جایی پیش رفتند که حتا غمشریکی برادران پشتون شمال خط دیورند را بابت کشته شدن "منظور پشتون" نیز نپذیرفته، حتا به جای یک تشکر عادی، فحاشی به "غنی احمدزی" و سگ هرزه جدیدش "امراالله صالح" نیز با تمام قدرت حواله نمودند.

ب- عمران خان پشتون، یعنی نورچشم "غنی احمدزی" و سایر شوونیست ها، به مثابه یک مهره قابل انعطاف در دستان گردانندگان اصلی پاکستان، یعنی نظامیان آن کشور به خصوص "آی. اس. آی"، کاری را انجام داد که تاحال نه "زرداری-بوتهو" و نه هم "نواز شریف" انجام داده بود یعنی با اجرای موفقانه سیاست های "آی. اس. آی"، طالبی را که در کوه ها سراغ وی را می بایست گرفت، با اعزاز و اکرام برتر از "غنی احمدزی" و سایر اعضای "باندارگ" در اغوش گرفته، در واقع قادر شد بدون اجازه ملل متحد و شورای امنیت آن، عملاً آنها از تحریمات بیرون کشیده، در حد معینی زندگی علنی را برایشان تحفه داد.

پ- این کار را چنان خوب و با برنامه انجام داد، که گذشته از شکستن تحریمات، ۷ میلیارد دالر جایزه نیز از جانب ولیعهد عربستان سعودی "محمد بن سلمان" دریافت داشت. به این می گویند، هم "خرما و هم ثواب".

ت- این که در عقب پرده حاتم بخشی های "محمدبن سلمان" چه نهفته است مسأله ایست جداگانه که در آینده مستقلاً به آن خواهیم پرداخت.

دیده شود چه می شود!!